

بررسی روش‌های نوین تأمین مالی در تعاونی‌های ایران (رویکردی کیفی)

محمد حسن ابراهیمی سروعلیا^۱

ماشالله عظیمی^۲

چکیده

امروزه بقای سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در گرو توجه به اتخاذ شیوه‌های مناسب تأمین مالی است. در این میان، ناکارآمدی برخی از شیوه‌های سنتی تأمین مالی، گرایش به انتخاب شیوه‌های نوین را ضروری کرده است. بر این مبنا، تعاونی‌های به‌عنوان تشکلهای اقتصادی-اجتماعی از این مقوله مستثنی نبوده و نیازمند اتخاذ شیوه‌های مناسب تأمین مالی هستند. در این راستا، تحقیق حاضر باهدف تدوین مدلی مطلوب از روش‌های نوین تأمین مالی در بخش تعاونی ایران به انجام رسید. برای دستیابی به این هدف از رویکرد کیفی، با تأکید بر نظریه داده بنیان، استفاده شد. با استفاده از نظریه داده بنیان، داده‌های استقرایی حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند و ارتباط بین داده‌ها در قالب مدل پارادایمی تأمین مالی شکل گرفتند. جامعه آماری این مطالعه مشتمل بر صاحب‌نظران و کارشناسان اجرایی حوزه تعاونی بود که ۲۳ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری گلوله برفی و تا نیل به اشباع نظری انتخاب شدند. نتایج نشان داد که محدودیت‌های تأمین مالی تعاونی‌ها به روش متداول، گرایش به رویکردهای بومی و متنوع تأمین مالی را ایجاد کرده است. این موضوع، اتخاذ راهبردهای نوین تأمین مالی نظیر اوراق بدهی و منفعت و سایر شیوه‌های ترکیبی تأمین مالی را ضروری می‌نماید. همچنین نتایج حاکی از آن است که توجه به این راهبردهای نوین، مستلزم توجه به الزامات مترتب بر شیوه‌های تأمین مالی، چالش‌ها و تباین ماهیتی-عملکردی تعاونی‌ها می‌باشد.

واژگان کلیدی: شیوه‌های نوین تأمین مالی، اوراق بدهی و منفعت، تعاونی، نظریه داده بنیان

طبقه‌بندی موضوعی: G32, C10

۱. استادیار دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

۲. دانشجوی دکتری مدیریت مالی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

۱- مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی کشورها در گرو اجرای پروژه‌های مختلف زیرساختی و خدماتی بوده و افزایش کارایی و کیفیت ارائه خدمات از جمله اهداف اصلی آن‌ها به شمار می‌رود. متوسط سرمایه‌گذاری مورد نیاز جهت طرح‌های زیربنایی در کشورهای در حال توسعه ۵/۵ درصد تولید ناخالص داخلی^۱ است که از این میزان، ۲ تا ۴ درصد محقق می‌شود^۲. در چنین شرایطی کمبود سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی نه تنها موجب کند شدن رشد اقتصادی در این کشورها گردیده بلکه موجب پایین نگه داشتن سطح زندگی و همچنین مانعی برای توانمندسازی بخش‌های غیردولتی شده است (دانش جعفری، ۱۳۹۱). تجربیات جلب مشارکت مردمی در پروژه‌های توسعه‌ای در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که با بسیج توانمندی‌های مردمی در قالب تشکلات و به‌ویژه تعاونی‌ها می‌توان ضمن تحقق جنبه‌های سخت‌افزاری توسعه، اهداف اجتماعی و انسانی فرآیند توسعه را نیز محقق ساخت.

امروزه بسیاری از کشورهای پیشرفته بر اساس رهیافت‌های مشارکت توسعه و استفاده از ظرفیت‌های منحصربه‌فرد بخش‌های مردمی اقتصاد از جمله بخش تعاون به عنوان بخش خصوصی نظام‌مند و جامعه‌محور موفق به راهبری و اجرای بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ای شده و با بسیج توانمندی‌های مادی و معنوی جوامع، جلوه‌های بارزی از مشارکت عمومی-خصوصی را در زمینه‌ها و مقاصد مختلفی همچون ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی تولید و توزیع برق، آب و فاضلاب، توسعه سامانه‌های آبیاری، خطوط لوله، دفع زباله، مسکن، بیمارستان، ساخت مدرسه، استادیوم، زندان، راه‌آهن، کنترل آلودگی هوا، سد و کانال‌های کشاورزی، بازیافت فاضلاب جهت زیرساخت‌های بخش کشاورزی، خطوط ریلی، سیستم‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات، ارائه خدمات بهداشتی و اجتماعی رقم زده‌اند. (قانون بخش تعاون، ۱۳۷۰)

در ایران اجرای طرح‌های عمرانی، زیربنایی و توسعه‌ای کشور و نحوه تأمین مالی آن‌ها یکی از دغدغه‌ها و موضوعات مهم مورد توجه تمامی دولت‌ها بوده است. در طول سالیان متمادی نحوه تأمین مالی و اجرای این طرح‌ها صرفاً بر پایه منابع محدود بودجه عمومی و اجرا بر اساس روابط کارفرمایی و پیمانکاری استوار بوده است که عدم تأمین و تخصیص بودجه موجب تأخیرهای چندین ساله در اجرا و بهره‌برداری این پروژه‌ها شده است. این امر سبب شده، دولت‌ها به‌منظور دستیابی به منابع مالی و

1. GDP

۲. باید توجه داشت از مجموع سرمایه‌گذاری‌ها حدود نیمی از آن جبران استهلاک سرمایه‌گذاری‌های قبلی و مابقی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید صرف می‌شود.

همچنین در راستای افزایش کارآمدی اجرای طرح های زیرساختی از طریق مشارکت بخش های غیردولتی اقدام نماید. از طرفی در ابلاغیه سیاست کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بر توسعه کمی و کیفی بخش تعاون تأکید داشته است، درحالی که سازوکارهای کنونی، فعالیت تعاونی ها به شکل پراکنده، متکثر و ناهمگون، ظرفیت ایجاد تحول اساسی و راهگشا برای حضور تعاونی ها در این حوزه را کمرنگ کرده است. عمده فعالیت تعاونی ها در ترتیبات مشارکت عمومی-خصوصی در عرصه احداث نیروگاه های برق کوچک مقیاس بوده است؛^۱ که این تنها ذره ای از توانمندی تعاونی های کشور با حدود ۱۰۰ هزار تعاونی، ۱۵ میلیون نفر عضو، ۲ میلیون نفر شاغل به کار و گردش مالی بالغ بر ۱۸ هزار میلیارد تومانی می باشد (مرکز آمار ثبتی تعاون، ۱۳۹۶). یکی از معضلات و مسائل اصلی تعاونی ها در ایران، مسئله تأمین مالی و جذب سرمایه های لازم به منظور ادامه بقا و تداوم فعالیت هست. با توجه به تغییراتی که در ابعاد جهانی در شیوه های تجارت و مبادله تعاونی ها پدید آمده است، تعاونی ها با ایجاد اصلاحاتی در مدل های سازمانی خود و اتخاذ استراتژی های نوین تأمین مالی، ساختارهای نوینی را جهت غلبه بر محدودیت های مدل های سنتی و پاسخگویی به مقتضیات شرایط جدید تجربه می نمایند. این در حالی است که در ایران روش های سنتی تأمین و جذب منابع مالی، محدودیت ها و مشکلات بسیاری را برای تعاونی های ایجاد کرده است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- تعاون و تأمین مالی

واژه تعاون به معنای همکاری و تشریک مساعی در رفع نیازهای همگانی است. این تعریف کاملاً از محدوده ی زمان و مکان خاص فراتر رفته و دارای یک نوع رابطه ی متقابل بین فرد با فرد، فرد با گروه و گروه با گروه است که حاصل آن استفاده از دستاوردهای فعالیت گروهی و رفع نیازها است. این مفهوم اولیه و ساده تعاون است. این رابطه در زمان و مکان های مختلف و در سطوح متفاوت حیات اجتماعی، اشکال گوناگون به خود گرفته و تحرک تعاون را در انطباق با شرایط جوامع مختلف از نظر زمان و مکان و کیفیات نمایان ساخته و نشان می دهد که تعاون را نباید به عنوان یک پدیده حاصل از ضروریات روند تحول در یک مقطع زمانی از حیات اجتماعی دانست بلکه تعاون از نخستین لحظه های

۱. تاکنون ۵۵ تعاونی به عرصه احداث نیروگاه های برق کوچک مقیاس وارد شده اند که از این تعداد ۱۲ تعاونی موفق به انعقاد خرید تضمینی برق به میزان ۱۳۸ مگاوات با شرکت توانیر گردیده اند که از این تعداد ۴ واحد به استان اصفهان، دو واحد به استان لرستان، ۲ واحد به استان مازندران و استان های یزد، فارس، چهارمحال و بختیاری و گلستان هر کدام یک واحد می باشد.

حیات هر پدیده‌ی اجتماعی، همراه با آن است و عاملی است که بقا و استمرار تحول و تکامل آن را امکان‌پذیر می‌سازد. در این دیدگاه، تعاون طریقه و فلسفه‌ای برای حیات و مجموعه‌ای از پوشش‌ها و شیوه‌های رفتاری بوده و درعین حال مجموعه‌ای از اصول و راهنمایی در زندگی فردی و اجتماعی انسان است (وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۴۹).

با توجه به وضعیت خاص کشورهای در حال توسعه و بحران‌های مالی در این کشورها امکان تأمین سرمایه مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های بزرگ به راحتی فراهم نمی‌شود، بنابراین انتخاب روش تأمین مالی مناسب در مورد پروژه‌ها مسئله مهمی است.

در بسیاری از پروژه‌ها به دلیل مسائلی مانند حجم بالای سرمایه مورد نیاز، حساسیت بالای پروژه از نظر مسائل سیاسی، اقتصادی و امنیتی، عدم تمایل حضور خارجیان و سرمایه‌گذاری آن‌ها، مسئله تأمین مالی مورد توجه مسئولان حکومتی قرار می‌گیرد.

در تعدادی از پروژه‌ها با حمایت‌ها و اعتبارات دولتی می‌توان وجوه مورد نیاز را تأمین کرد، اما در پروژه‌های مهم و زیرساختی مورد نیاز کشور که امکان تأمین وجوه کامل آن توسط دولت فراهم نیست مانند پروژه‌های نفتی، گازی، پتروشیمی و بسیاری از صنایع دیگر برای توسعه زیرساخت‌ها نیاز اساسی برای حضور سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات خارجی وجود دارد.

اندیشیدن راهکاری برای تأمین منابع مالی مورد نیاز پروژه از مراحل اولیه برای اطمینان از به انجام رسیدن پروژه است در انتخاب روش مناسب تأمین مالی در مرحله امکان‌سنجی پروژه باید به تمام موارد و خواسته‌های بخش‌های مختلف درگیر در پروژه از کشور میزبان پروژه، صنعت مرتبط با پروژه، پیمانکاران، خریداران، تهیه‌کنندگان، بانک‌های قرض دهنده، مسئله ریسک‌ها و به‌طور کلی تمام بخش‌های درگیر در پروژه توجه کرد و سپس با توجه به ارجحیت و اهمیت هر کدام از آن‌ها به انتخاب روش مناسب پرداخت.

در ضمن باید توجه کرد که روش‌های رایج برای تأمین مالی پروژه‌ها در یک کشور ممکن است به دلیل وجود تفاوت‌ها در قوانین و شرایط آن مؤثر نباشد در حالی که به‌طور مؤثر در کشور دیگری استفاده شود، نکته مهم انتخاب شکل صحیح روش تأمین مالی با توجه به شرایط هر پروژه و کشور میزبان پروژه است. در حالی که ضرورت سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی یک نیاز مبرم برای کشورهای در حال توسعه است، دولت‌ها قادر نیستند منابع لازم برای تأمین مالی این پروژه‌ها را تأمین کنند. برای حل این معضل دولت‌ها باید روش‌های نوین تأمین مالی پروژه‌ها را به کار گیرند این روش‌ها

به بخش غیردولتی امکان می دهد تا در پروژه های زیربنایی و عمومی مشارکت کند، بدون این که برای همیشه مالک طرح های زیر بنایی شود.

نکته حائز اهمیت در خصوص به کارگیری هر یک از استراتژی های تأمین مالی این است که این ابزارها باید به خوبی از سوی اعضا درک شده و ماهیت آن ها مشخص شود. نکته دیگر که تعاونی ها هنگام استفاده از یک استراتژی خاص باید مدنظر قرار دهند، این است که تا چه حد می خواهند از مدل سنتی تعاونی به ویژه با توجه به معیارهایی نظیر حق رأی اعضا و افراد غیر عضو، قابل افزایش بودن سهام اعضا و افراد غیر عضو، روش توزیع مازاد برگشتی، دامنه فعالیت افراد غیر عضو و قابل انتقال بودن سهام برای اعضا و افراد غیر عضو، فاصله بگیرند. (ری و تیروول، ۲۰۰۷)^۱

۳- پیشینه پژوهش

محققان تأمین منابع مالی را یکی از وظایف اولیه برای شرکت های تعاونی می دانند (پاچون^۲، ۲۰۱۶). پاچون سه بحث کفیل ها، ضمانت های برابر و سهم های ویژه را در تعیین الگوی تأمین مالی مهم دانسته است. کیم^۳ (۲۰۱۴) توجه به زیرساخت های عمومی - خصوصی را در تأمین مالی تعاونی ها پراهمیت دانسته است. همچنین، ژو^۴ و همکاران (۲۰۱۴) سه راهکار حساب های قابل وصول، حساب های اعتباری و سهام را برای تأمین مالی تعاونی ها پیشنهاد داده اند.

راوز و پیشکا^۵ (۲۰۰۴) سه استراتژی را جهت تأمین مالی تعاونی ها در نظر گرفته است. این استراتژی ها شامل استراتژی تأمین مالی سنتی، استراتژی تأمین مالی حمایتی و استراتژی تأمین مالی مستقیم می باشند. در استراتژی تأمین مالی سنتی، تجهیز سرمایه، به وسیله انواع تعاونی های سنتی و مدل های غیر سنتی انجام می شود و شامل روش های تأمین مالی از طریق بانک و سایر نهادهای مالی، سهام اعضا و استقراض از نهادهای وام دهنده تخصصی می باشد. استراتژی تأمین مالی حمایتی به وسیله تعاونی هایی که بر سرمایه گذاری های اعضا با سطوح حمایتی متکی هستند، بکار گرفته می شود. این استراتژی بر اساس برنامه سرمایه پایه، اوراق ظرفیت و صندوق بازنشستگی اعضا اجرایی می شود. استراتژی تأمین مالی مستقیم، روش های تأمین مالی را شامل می شود که امکان سرمایه گذاری مستقیم که با میزان استفاده از خدمات تعاونی مرتبط نیستند را هم برای اعضا و هم افراد غیر عضو فراهم

1. Rey, P., & Tirole, J.

2. Pachon

3. Kim

4. Zhou

5. Pischke & Rouse

می‌کند که شامل واحدهای تجهیز سرمایه تعاونی، سرمایه‌گذاری مستقیم، سند تعهد و اوراق قرضه محلی می‌باشد.

ملانظری و همکارانش (۱۳۸۸) در پژوهشی با بررسی رابطه بین روش‌های تأمین مالی (منابع برون‌سازمانی) و موفقیت و عدم موفقیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار به منابع مالی موردنیاز شرکت‌ها اشاره داشتند و توانایی شرکت‌ها در تعیین منابع مالی مناسب و تصمیم‌گیری صحیح در این خصوص را از عوامل موفقیت شرکت‌ها برشمردند. نتایج تحقیق ایشان نشان داد که بین روش‌های تأمین مالی، موفقیت و عدم موفقیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط معناداری وجود دارد و همچنین افزایش سرمایه، بیشتر از وام بانکی بر موفقیت شرکت‌ها تأثیر دارد، به عبارت دیگر تعداد شرکت‌های موفق که از محل افزایش سرمایه تأمین مالی نموده‌اند نسبت به کل شرکت‌های این گروه بیشتر از شرکت‌های موفق است که از محل وام بانکی تأمین مالی نموده‌اند.

سلیمی فر و همکارانش (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان: صکوک اجاره؛ ابزاری کارآمد جهت تأمین مالی پروژه‌های شهری. در پی یافتن این سؤال است که آیا اوراق اجاره (صکوک) به لحاظ اقتصادی، ابزار کارآمدی برای تأمین مالی پروژه‌های شهری است؟ نتایج این مقاله که با به کارگیری روش توصیفی - کاربردی به دست آمده است، ضمن ارائه مدل‌های عملیاتی صکوک اجاره، نشان می‌دهد که این اوراق از لحاظ اقتصادی ابزاری مناسب برای تأمین مالی می‌باشد و شهرداری‌ها با کمک این ابزار می‌توانند منابع مالی مناسب جهت اجرای پروژه‌های عمرانی و زیرساختی به دست آورند.

محمودی عالمی و اسمعیلی عالمی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی روش‌های تأمین مالی در طرح‌های کارآفرینانه بخش تعاون استان مازندران، پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان داده است که روش تأمین مالی داخلی و روش تأمین مالی سرمایه (حقوق صاحبان سهام) به طور مطلوب به کاررفته نمی‌شوند. ولی روش‌های تأمین مالی شخصی (خصوصی) و بدهی (استقراض) در طرح‌های کارآفرینانه بخش تعاون استان مازندران به طور بهینه استفاده می‌شوند؛ از این رو تسهیل راهکارهای دریافت منابع مالی از طریق بدهی سبب تقویت منابع مالی کارآفرینان و گسترش طرح‌های کارآفرینی خواهد شد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی مدل‌ها و استراتژی‌های نوین تأمین مالی شرکت‌های تعاونی در اقتصاد ایران و بررسی زمینه‌های به کارگیری مدل‌های سازمانی و استراتژی‌های نوین تأمین مالی در تعاونی‌های ایران پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که مدل‌های سازمانی تعاونی سستی در تأمین مالی تعاونی‌ها در ایران مؤثر نیست و سایر مدل‌های سازمانی تعاونی نظیر سرمایه‌گذاری نسبی، عضو-سرمایه‌گذار، نسل جدید، تعاونی با واحدهای مستقل تعاونی مانند سرمایه‌گذار نسل جدید، تعاونی با

واحدهای مستقل دارای سرمایه در حال افزایش، سهامی- سرمایه گذار و تبدیل شدن به شرکت سرمایه محور، در تأمین مالی تعاونی ها در ایران مؤثر هستند. همچنین بر اساس نظر خبرگان در استراتژی تأمین مالی سستی، روش های تأمین مالی از طریق بانک و سایر نهادهای مالی، سهام اعضا، سرمایه سهام تخصیص نیافته ذخایر و استقراض از نهادهای وام دهنده تخصصی در تأمین مالی تعاونی ها در ایران مؤثر هستند. در استراتژی تأمین مالی حمایتی، روش های تأمین مالی از طریق برنامه سرمایه پایه، اوراق ظرفیت، طرح های اجباری مشارکت در سهام، ذخیره مازاد برگشتی، انتشار سهام جایزه و رأی سود، وجوه بازنشستگی اعضا، واحدهای مشارکتی، برنامه های سرمایه چرخشی و وام های چرخشی، در تأمین مالی تعاونی ها در ایران مؤثر هستند.

ری و تیرو^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی تأمین سرمایه و دسترسی در تعاونی ها، چارچوب سرمایه گذاری پویایی را طرح می کنند که خط مشی ها، تأمین بودجه و رشد تعاونی ها را به هم ارتباط می دهد. همچنین، ایشان اشاره به ایجاد تعاونی ها به عنوان، سهم اساسی از بازارهای اقتصادی توسعه یافته دارد که این سهم، احتمالاً با ظهور اقتصادهای جدید رشد می کند.

مطالعاتی که توسط محمدی نرکاشوند^۲ و همکاران (۲۰۱۱)، بریونیس و همکاران^۳ (۱۹۹۷) و هاشمی نژاد و همکاران^۴ (۲۰۱۱)، حضرتی و همکاران (۱۳۸۹)، آگهی و همکاران (۱۳۸۶)، عطائی و ایزدی (۱۳۹۴) و یزدان پناه و صمدیان (۱۳۸۸)، انجام شده همگی بیانگر آن هستند که بالا بودن هزینه های اجرایی، مشکلات مالی، کمبود سرمایه و نقدینگی یکی از عمده ترین دلایل رکود فعالیت شرکت های تعاونی ها محسوب می شود که آن ها را در راه رسیدن به اهداف خود با مشکل مواجه نموده است. از دیدگاه طالب (۱۳۸۲) موفقیت تعاونی ها در گرو توجه به چهار نکته است. ۱. تلاش اقتصادی برای تأمین نیازها، ۲. گسترش همکاری اقتصادی در سطح ملی و بین المللی، ۳. مشارکت آزادانه و دموکراتیک و داوطلبانه اعضا، ۴. قبول مسئولیت اجتماعی در میان اعضا. عطائی و همکاران (۱۳۹۵) نیز تأمین مالی تعاونی های تولید را از عوامل موفقیت آن ها دانسته اند. پراکاش^۵ (۱۹۹۴) در تحقیق خود نشان داد که متغیرهای حمایت مالی دولت، پایین بودن مدت زمان دریافت وام، پایین بودن نرخ سود تسهیلات، بازاریابی مناسب، تجهیزات و امکانات پیشرفته و تعدیل در میزان اقساط وام دریافتی با موفقیت تعاونی ها ارتباط معنی داری دارد. همچنین، محققان موانعی از قبیل عوامل اقتصادی- نگرشی

1. Rey & Tirole

2. Mohammadi Torkashvand

3. Bruynis

4. Hasheminejad

5. Perakash

(احمد پور و همکاران، ۱۳۹۳)، محدودیت سرمایه (بذرافشان و شاهین، ۱۳۸۹) سرمایه گذاری ناکافی، استرداد ضعیف وام‌ها، رکود اقتصادی (آریابا^۱، ۲۰۱۳) و تضاد علایق بین اعضای تعاونی و سرمایه-گذارها (شاومی و تاو^۲، ۲۰۱۰) را در تأمین مالی تعاونی‌ها برشمرده‌اند.

۴- روش تحقیق

استراتژی تحقیق در این پژوهش، با توجه به رویکرد پژوهش کیفی، «نظریه داده بنیان» انتخاب شده است. نظریه داده بنیان، نوعی استراتژی کیفی است که به منظور تدوین نظریه زمینه‌ای در مورد یک پدیده به صورت استقرایی به کار می‌رود و مجموعه‌ای نظام‌مند از داده‌ها (نظیر مصاحبه‌ها) و رویه‌ها را به کار می‌گیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). درواقع، نظریه داده بنیان، یک روش شناسی نظام‌مند در علوم اجتماعی است که مشتمل بر خلق ساختار نظری از طریق جمع‌آوری و تحلیل منظم داده‌ها می‌باشد (اشتراوس و جولیت^۳، ۱۹۹۴ و فاگیولانی^۴، ۲۰۱۱). با توجه به این که مقوله تأمین مالی در عرصه تعاونی‌ها وابستگی شدیدی به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی کشور دارد با استفاده از این رویکرد تحلیلی می‌توان نظریه ظهور یابنده در خصوص شیوه‌های تأمین مالی به دست داد، به طوری که تمامی بسترها و شرایط محیطی حاکم بر وضعیت تعاونی‌ها در آن لحاظ شود.

به منظور جمع‌آوری داده‌های میدانی از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در این راستا از پروتکل مصاحبه نیمه ساختاریافته برای افراد مختلف و در زمان‌های مختلف استفاده گردید. بدین معنی که تمامی محورهای مورد سؤال برای مشارکت کنندگان در زمان‌های مختلف به صورت یکسان بوده و محقق به منظور حصول به داده‌های مورد نیاز جهت تدوین مدل نقش هدایتگری داشته است. همچنین مقولات به دست آمده از مشارکت کنندگان اولیه در پروتکل مصاحبه قرار گرفت تا از طریق سایر مشارکت کنندگان مورد اعتبار یابی واقع شود.

در این مطالعه از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. کدگذاری باز به عنوان گذاری یا نام گذاری رویدادها و پدیده‌ها بر اساس داده‌ها اشاره دارد. مفاهیم و مقوله‌ها نتیجه این نوع کدگذاری می‌باشند. در کدگذاری محوری با ایجاد پیوند میان مقوله‌ها و در پی آن میان مفاهیم و داده‌ها، مقوله‌های اصلی و فرعی نمایان می‌شوند؛ به بیان دیگر کدگذاری محوری، فرآیند ربط دهی

-
1. Aribaba
 2. Xiaomei and Tao
 3. Strauss & Juliet
 4. Faggiolani

مقوله ها به زیر مقوله هایشان و پیوند دادن مقوله ها در سطح ویژگی ها و ابعاد است. کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه سازی و بهبود مقوله هاست به گونه ای که نتایج پژوهش شکل تئوری به خود گیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰؛ دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر، در مرحله کدگذاری باز به منظور مدیریت داده ها از نرم افزار Nvivo10 استفاده گردید. بدین منظور پس از ورود داده ها به نرم افزار، متون داده ای چندین بار مورد بازخوانی و مرور قرار گرفتند و به هر یک از کدها یک برچسب مفهومی اطلاق شد. برچسب های مفهومی مشتمل بر معانی مستخرج از داده ها بود. پس از استخراج مفاهیم اقدام به تشکیل مقولات گردید. برچسب های مفهومی مستخرج از مرحله قبل که دارای بار معنایی واحدی بودند در یک طبقه قرار گرفتند. در مرحله کدگذاری محوری، مقوله ها، ویژگی و ابعاد حاصل از کدگذاری باز، تدوین شده و در جای خود قرار گرفتند. در این مرحله، با استفاده از مدل پارادایمی کدگذاری محوری اشتراوس و کوربین (۱۹۹۰) اقدام به شناسایی شرایط علی، پدیده محوری، شرایط مداخله گر، زمینه ها، راهبردها و پیامدها گردید. پس از تدوین مدل پارادایمی در بستر تحقیق به منظور توضیح روابط میان مقولات و مفاهیم از نقل قول های مستقیم استفاده شد. در مرحله کدگذاری انتخابی به منظور نیل به تئوری حاصل از فرآیند تحقیق، ارتباط میان پدیده محوری و سایر طبقات مورد بحث قرار گرفت.

جامعه آماری تحقیق مشتمل بر خبرگانی بود که در عرصه تعاونی دارای دانش و تجربیات اجرایی بودند. بدین منظور از دیدگاه صاحب نظران و کارشناسان اجرایی حوزه تعاونی کشور در قالب جامعه آماری استفاده گردید. به منظور نمونه گیری از جامعه مذکور از رویکرد نمونه گیری هدفمند و روش های نمونه گیری گلوله برفی و نظری استفاده شد. طی نمونه گیری هدفمند، ابتدا دو تن از خبرگان حوزه تعاونی ها شناسایی شدند و پس از جمع آوری داده ها از آن ها خواسته شد تا سایر صاحب نظران این حوزه را معرفی نمایند. بدین ترتیب، توالی انتخاب مشارکت کنندگان از طریق نمونه گیری گلوله برفی دنبال شد. همچنین، طی فرآیند نمونه گیری، محقق با بهره گیری از نمونه گیری نظری (گلاسر و اشتراوس^۱، ۱۹۶۸) در خصوص داده های مورد نیاز و مکان های جمع آوری داده ها تا نیل به اشباع تئوریک تصمیم گیری به عمل آورد. اشباع تئوریک به عنوان معیار تعیین حجم نمونه مورد استفاده قرار گرفت. بدین معنی که جمع آوری داده ها تا جایی صورت گرفت که برای محقق محرز گردید که مفاهیم جدیدی از طریق جمع آوری داده های بیش تر حاصل نخواهد شد (کلانتری و لوائی آدریانی،

۱۳۹۵). بر این مبنا، تعداد ۲۳ تن از خبرگان حوزه تعاون در راستای تأمین اشباع تئوریک مورد مطالعه قرار گرفتند.

۵- یافته‌ها

در این قسمت به منظور طراحی نظریه زمینه‌ای روش‌های تأمین مالی تعاونی‌ها برای مشارکت در توسعه زیرساخت‌ها از نظریه داده بنیان استفاده شد. در این راستا پس از جمع‌آوری داده‌ها، به بررسی و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به انجام رسید. در نهایت مدل زمینه‌ای روش‌های تأمین مالی در قالب پارادایم کدگذاری محوری ارائه گردید و روابط میان مقولات موجود در این مدل مورد بحث قرار گرفت.

۵-۱- کدگذاری باز

طی کدگذاری باز، داده‌ها چندین بار مرور شدند و بر اساس قرابت مفهومی میان آن‌ها کدها، مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند. یافته‌های حاصل از کدگذاری باز در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول (۱): یافته‌های حاصل از کدگذاری باز

ارجاعات	منبع	کدها، مفاهیم و مقوله‌ها
		انتخاب رویکردهای نوین تأمین مالی در بخش تعاون
		انتشار اوراق بدهی و منفعت در بستر قانونی و شرعی
۴	۴	انتشار اوراق بدهی با روش تأمین مالی ترکیبی در بستر شرع و قانون توأم با
۶	۵	انتشار اوراق منفعت تعاون برای افراد غیر عضو به منظور تأمین مالی
		تسهیل حضور تعاونی‌ها در بازار سرمایه
۱	۱	اصلاح آیین‌نامه تعاونی‌ها جهت حمایت از ورود آن‌ها به بورس و فرابورس
۳	۳	انتشار اوراق بهادار
۱	۱	تهاثر ظرفیت و توان مشارکتی
۱	۱	رقابتی بودن حضور در بازار سرمایه
۳	۲	لزوم حضور تعاونی‌ها در بازار سرمایه
۸	۶	ورود و فعالیت در بورس (فروش سهام)
		تعامل بین‌بخشی در عرصه تأمین مالی تعاونی‌ها
۱	۱	بهره‌وری از ظرفیت‌های صنعت برندینگ
۱	۱	پیش‌فروش تولیدات و خدمات مطلوب به‌عنوان روش تأمین مالی
۳	۲	تأسیس و راه‌اندازی بانک تعاونی (سهامی عام) یا صندوق قرض‌الحسنه (سهامی)

ارجات	منبع	کدها، مفاهیم و مقوله ها
۲	۲	تعامل با صندوق های خطرپذیر و استقراض از سرمایه گذاران در جهت تأمین مالی
۶	۳	تنوع در انتخاب شرکای سرمایه گذار در قالب روش تأمین مالی
۳	۱	نقش تعاونی های اعتباری در تأمین منابع مالی
		سرمایه گذاری و تأمین مالی جمعی و مشارکتی
۱	۱	تأمین مالی پروژه های خطرپذیر در قالب تعاونی های مستقل و مشارکتی
۱	۱	تأمین مالی جمعی، راهکاری در جهت اقدام با و برای مردم
۱	۱	تحقق مشارکت ها با رویکردی رقابتی و فراگیر
۱	۱	مشارکت چندجانبه تعاونی ها، اتحادیه های تعاونی و بانک ها در جهت انتشار اوراق
۱	۱	وجود رانت به عنوان مانع مشارکت جمعی در عرصه فعالیت های اقتصادی
		تبیین ماهیت و عملکرد بخش تعاون
		تأمین مالی سنتی در بخش تعاون
۱	۱	ایجاد تعاونی ها بر مبنای نظام خانوادگی باهدف بهره مندی از تسهیلات بانکی
۶	۵	تأمین مالی تعاونی ها در قالب آورده های اعضا
۲	۱	جلب خیرین در جهت تأمین مالی تعاونی ها
۵	۳	غلبه تأمین مالی به شکل سنتی در تعاونی ها
		روحیه سودمحوری و سرمایه گرایانه
۴	۴	تأکید بر سود بالا و بازگشت سریع سرمایه در بخش خصوصی
۲	۱	عدم همخوانی فروش سهام تعاونی ها و رویکردهای سرمایه گرا با اصول تعاون
۳	۲	گرایش تعاونی ها به تبعیت از روندهای مدیریتی سودمحور و سرمایه گرا
		فقدان زمینه های سودمحوری در پروژه های بخش تعاون
۱	۱	عدم تکیه بر بازگشت سریع سرمایه در پروژه های زیرساختی بخش تعاون
۳	۳	ملاک نبودن کسب سود بالا در پروژه های زیرساختی بخش تعاون
		تقویت سرمایه اجتماعی و اقدام جمعی بر مبنای روش تأمین مالی مناسب
		تقویت سرمایه اجتماعی بر مبنای تأمین مالی مطلوب
۱	۱	ذی نفع محور بودن اوراق منفعت تعاون بر مبنای اعتماد و نیازمندی به پروژه ها
۲	۱	کاهش سطح سرمایه اجتماعی
۱	۱	لزوم توجه به تقویت سرمایه اجتماعی در انتخاب روش تأمین مالی
		غلبه فردگرایی در عرصه تعاون
۱	۱	غلبه رویکرد فردگرایانه بر رویکردهای اقدام جمعی
۱	۱	کاهش خودباوری و روحیه همبستگی و کار جمعی
		چالش های بنیادی و ساختاری بخش تعاون
		چالش های بنیادی بخش تعاون جهت تأمین مالی
۸	۴	اعتماد و اهتمام کم به واسطاری امور اجرایی به بخش تعاون
۳	۱	ذهنیت نامناسب نسبت به کارآمدی بخش تعاون
۳	۲	ضعف عملکردی بخش تعاون باوجود پشتوانه های قانونی مناسب
۱	۱	عدم اعتقاد و درک صحیح مدیران از مقوله تعاونی به عنوان عاملی در ناشناخته
۲	۲	عدم رشد و توسعه مورد انتظار بخش تعاون در کشور

ارجاعات	منبع	کدها، مفاهیم و مقوله‌ها
		چالش‌های ساختاری و مالی تعاونی‌ها و تحمل ریسک سرمایه‌گذاری
۱	۱	توجه به انواع ریسک‌های اعتباری، سیاسی و حقوقی در مقوله تأمین مالی
۱	۱	عدم مناسبت تأمین مالی مبتنی بر اوراق بهادار به دلیل ضعف مالی
۱	۱	عمومیت و اهمیت مشکل نقدینگی در تعاونی‌ها
۱	۱	فقدان زیرساخت‌های لازم برای ارائه وثیقه لازم جهت دریافت منابع مالی
۲	۱	مشکل تأمین مالی در بخش تعاون
۱	۱	ناچیز بودن سرمایه در گردش تعاونی‌های ایران در مقایسه با کشورهای پیشرو
۲	۱	نیازمندی تعاونی‌ها به منابع برونی در پروژه‌های زیرساختی و کلان
		چالش‌های مدیریتی بخش تعاون
۱	۱	عدم حصول به درک مشترک از مفهوم تعاون به‌عنوان محدودیتی در راستای
۴	۳	لزوم تجدیدنظر در ابعاد ظرفیتی و مدیریتی بخش تعاون بر مبنای قوانین و سیاست
۱	۱	هدفمند نبودن مدیریت در بخش دولتی
		رفع چالش‌های بخش تعاون و بازیابی جایگاه آن‌ها
		ارتقای جایگاه بخش تعاون ضمن اعتلای جایگاه اقتصادی کشور
۱	۱	اهمیت مقوله تأمین مالی به‌عنوان محور تحول نظام اقتصادی کشور
۲	۱	بازیابی جایگاه تعاونی‌ها در نظام اقتصادی پویا به‌منظور تحقق نظام تأمین مالی
۱	۱	بهبود شرایط اقتصادی با توجه به تنش‌های منطقه‌ای و جهانی و ریسک‌های
۲	۲	ساماندهی زنجیره مالی و تضامنی در بخش تعاون به‌عنوان موفقیتی در راستای
		تحول بنیادی در ساختار سازمانی، نظام مدیریتی و اجرایی و قوانین
۴	۳	برخورد سیاسی و سلیقه‌ای با موضوع تشکیل نهادها و مؤسسات مالی
۱۸	۱۰	تحول بنیادی در ساختار سازمانی، نظام مدیریتی و اجرایی و قوانین
۱	۱	عدم هماهنگی بین بخش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان کشور به‌عنوان
۲	۲	لزوم ایجاد اصلاحات در بخش تعاونی به دلیل شکل‌گیری تعاونی‌های نسل جدید
۱	۱	لزوم حمایت واقعی از تعاونی‌ها در مقابل حمایت اسمی
۱	۱	نقش آفرینی و مشارکت ذی‌مدخلان مختلف برای توسعه بخش تعاون
۱	۱	همگون بودن اساسنامه تعاونی‌ها به‌عنوان مانعی در برابر استفاده از ابزارهای مالی
		محدودیت زدایی قانونی از بخش تعاون
۱	۱	ایجاد تعاونی‌های سهامی عام، دانش‌بنیان و فراگیر ملی در پروژه‌های زیرساختی با
۲	۲	مشکل تأمین مالی در بخش تعاون به دلیل پیچیدگی قوانین ارتباط با سرمایه
۲	۱	منعطف نبودن قوانین مربوط به تعاون
		شناخت و رتبه‌بندی تعاونی‌ها
		تأمین مالی مبتنی بر صلاحیت و ظرفیت‌های تعاونی‌ها
۲	۲	تأمین مالی بر مبنای پایش حاصل از پروژه موردنظر
۱	۱	لزوم بازنگری در وضعیت اطلاعاتی و آماری تعاونی‌ها در بخش‌های مختلف
		تدوین ملاک‌های رتبه‌بندی تعاونی‌ها
۱	۱	تدوین ملاک‌های رتبه‌بندی تعاونی‌ها و شرکت‌ها
۸	۵	تعدیل ملاک‌های رتبه‌بندی تعاونی‌های به‌منظور مشارکت در ساخت زیرساخت‌ها

ارجاعات	منبع	کدها، مفاهیم و مقوله ها
		گرایش به توسعه بخش تعاون
		اقبال جهانی به بخش تعاون
۵	۳	اقبال و توجه جهانی به گسترش بخش تعاون به عنوان یک استراتژی
۱	۱	تمایل به بهره گیری از ظرفیت های تعاون در سطح جهان به دلیل ناکارآمدی بخش
۳	۳	فراگیر شدن رویکرد اقتصادی تعاون در جهان طی سال های اخیر
		اولویت بخشی به بخش تعاون در سطح ملی
۴	۲	اهمیت و سابقه مثبت بخش تعاون در کشور
۱	۱	تعاونی ها به عنوان نمودی از تشکلهای مشارکتی فراگیر در پروژه ها
۱	۱	تلاش در راستای جمع سپاری پروژه های کلان در قالب تعاونی ها
		گرایش به رویکردهای بومی و متنوع تأمین مالی در بخش تعاون
		بومی سازی روش های تأمین مالی
۲	۲	لزوم بومی سازی روش های تأمین مالی جمعی در بخش تعاونی کشور بر مبنای
۱	۱	انتخاب روش های تأمین مالی با توجه به ظرفیت های منطقه ای
۳	۲	بومی سازی روش های تأمین مالی بر پایه قوانین و شرع
		تنوع شیوه های تأمین مالی در تعاونی ها
۱	۱	تعریف طرح کسب و کار به عنوان الزامی در راستای انتخاب روش تأمین مالی
۶	۳	تفاوت روش های تأمین مالی در بین تعاونی های سنتی و نوین
۲	۱	عضوگیری و جلب مشارکت اقدار فرهیخته و کارآفرین جامعه به عنوان ضرورتی
۴	۴	غفلت از بهره گیری از ظرفیت های حقیقی و حقوقی ذی نفوذ برای تأمین مالی
۳	۱	لزوم ارتقا و توسعه تعاونی ها به منظور افزایش تنوع در روش های تأمین مالی
۱۰	۶	متنوع بودن شیوه های تأمین مالی جمعی و لزوم بهره گیری از آن در بخش تعاون
		محدودیت های تأمین مالی تعاونی ها به روش متداول
		محدودیت های اتکا به بانک ها و بخش خصوصی در تأمین مالی پروژه
۱	۱	بنگاهداری توسط بانک ها
۲	۱	رقابت های مستتر در سرمایه گذاری های خصوصی و دولتی به عنوان محدودیتی در
۱	۱	عدم مشارکت بخش خصوصی در پروژه های زیرساختی به دلیل زمان بر بودن
۳	۲	گران و رانت زا بودن تأمین مالی از بانک ها
۵	۳	لزوم کاهش وابستگی به بانک ها در تأمین اعتبار
۳	۲	محدودیت منابع مالی بانکی جهت تأمین مالی تعاون
۶	۵	ناکارآمدی بخش خصوصی در زمینه تأمین مالی پروژه ها به دلیل رویکردهای
۴	۲	ناکارآمدی شیوه فاینانس برای تأمین مالی تعاونی ها به دلیل کوتاه مدت و غیر
		محدودیت های تأمین مالی توسط دولت
۴	۳	ناکارآمدی اقتصاد دولتی در ایران از حیث سرمایه گذاری
۱	۱	ناکارآمدی شیوه های تأمین مالی در کشور به دلیل اتخاذ رویکردهای کارفرمایی
۷	۳	نیاز به سهم بالایی از GDP در پروژه های عمرانی و عدم انطباق با بودجه های
۱۴	۹	نیمه کاره بودن پروژه ها به دلیل محدودیت های مالی دولت
		وابستگی تعاونی ها به حمایت های مالی دولت

ارجاعات	منبع	کدها، مفاهیم و مقوله‌ها
۲	۱	بنیان‌گذاری رویکرد تعاونی‌ها بر مبنای وابستگی و رفتارهای طلبکارانه از دولت
۳	۲	حمایت‌های مالی دولتی از بخش تعاون
۳	۳	وابستگی تأمین مالی به منابع مالی دولت
۴	۲	وابستگی تأمین مالی تعاونی‌ها توسط دولت به شرایط متغیر سیاسی
		نظارت و انضباط مالی در تأمین مالی تعاونی‌ها
		حسابرسی و نظارت در تخصیص و هزینه کرد تسهیلات مالی
۴	۳	ارائه تسهیلات کوتاه‌مدت به تعاونی‌ها به‌صورت گردشی و نظارت‌شده
۱	۱	نظارت ناکافی بر هزینه کرد تسهیلات مالی
		وجود زمینه‌های فساد در تأمین مالی و تخصیص تسهیلات
۴	۲	افزایش فساد در روش‌های تأمین مالی از بالا به پایین
۱	۱	تأمین مالی نظام اقتصادی بر مبنای تخصص، توان و دانش مدیریتی منحصربه‌فرد
۱	۱	توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی و توزیع مناسب منابع منطبق بر استعدادها و
۲	۱	سودگرایی به‌عنوان عاملی در جهت افزایش احتمال فساد در تأمین مالی از طریق
۲	۲	گرایش به رانت‌خواری در خصوص ارائه تسهیلات به تعاونی‌ها
		ویژگی‌ها و الزامات تأمین مالی جمعی
		الزامات تأمین مالی جمعی
۲	۲	بهره‌گیری جمعی از سرمایه‌های خرد به‌عنوان فلسفه تعاون
۲	۲	لزوم اقتصادی تعریف کردن پروژه‌ها با تأکید بر مشارکت مردمی
۳	۳	لزوم تأمین مالی جمعی بخش تعاون به‌عنوان رکن دوم اقتصاد ملی
۸	۵	لزوم جلب مشارکت جمعی در تأمین مالی به‌عنوان رویکرد قانونی
۸	۶	لزوم جلب و جذب مشارکت‌های جمعی و عمومی در زمینه تأمین مالی
۴	۳	لزوم سرمایه‌گذاری مشارکتی بر مبنای اقتصاد مقاومتی در بخش تعاون
		ویژگی‌های منحصربه‌فرد تأمین مالی جمعی
۱	۱	تأمین مالی جمع، به‌عنوان روشی برای کاهش فسادهای مالی
۳	۲	تضمین بقا و ماندگاری پروژه‌ها از طریق تأمین مالی جمعی
۲	۲	تکیه بر ظرفیت‌های مردمی
۳	۱	تمرکززدایی در منافع سرمایه‌گذاران به‌واسطه توجه به رویکرد تأمین مالی جمعی
۳	۱	شفافیت روند اجرایی در روش تأمین مالی جمعی

(منبع: یافته‌های تحقیق)

۵-۲- کدگذاری محوری

در این مرحله، بر اساس مدل پارادایمی کدگذاری محوری اشتراوس و کوربین، یک مقوله از فهرست مقوله‌ها انتخاب شد و به‌عنوان پدیده محوری در مرکزیت قرار گرفت؛ و بدین ترتیب، بر اساس ماهیت طبقات ایجادشده و همچنین روابط نهفته در بین آن‌ها، مدل نهایی شکل گرفت (شکل ۱). درنهایت، طبقات اصلی مبتنی بر مدل پارادایمی تحقیق موردبحث قرار گرفت.

۵-۲-۱- شرایط علی

محدودیت های تأمین مالی تعاونی ها به روش متداول و گرایش به توسعه بخش تعاون دو مقوله هستند که شرایط علی را تداعی می کنند. زمان بر بودن پروژه های زیرساختی یکی از موضوعاتی است که منابع سرمایه ای کلانی را در پروژه های زیرساختی بازنمایی می کند. بر این اساس سودمحوری بخش خصوصی از یک سو و فقدان استطاعت مالی در بعد زمان بر کاهش تمایل این بخش جهت ورود به عرصه فعالیت در پروژه های زیرساختی تأثیر چشمگیری دارد.

دولت به دلیل عدم برخورداری از بدنه ای چابک و کارآمد، عموماً در خصوص ورود به عرصه تأمین مالی پروژه های کلان از سازوکارهای نظارتی مناسب برخوردار نبوده و بدین ترتیب ممکن است زمینه های بروز فساد را فراهم کند. همچنین، بخش خصوصی در جهان به دلیل ماهیت سودمحوری خود در مواجهه با اقتصاد دولتی در تأمین مالی و اجرای پروژه های زیرساختی، ساختارهای مبتنی بر منفعت طلبی صرف را جستجو می نماید؛ بنابراین آنچه می تواند محصول کنشگری انحصار دولت و بخش خصوصی در تأمین مالی پروژه ها باشد، سلب زمینه های مشارکت همگانی در عرصه تأمین مالی است.

بسیار از تأمین مالی های دولتی از طریق بانک های سرمایه گذار و تسهیلات بانکی صورت می گیرد که از سود بالا برخوردار بوده و با محدودیت های جدی مواجه است. بدین معنا که تأمین مالی پروژه های زیرساختی از محل منابع دولتی علاوه بر گرانی و رانت زایی، با محدودیت مواجه بوده و هزینه های این پروژه ها را به شدت افزایش می دهد. بر این مبنا، تکیه بر تأمین مالی از طریق تسهیلات بانکی و منابع دولتی، گزینه مناسبی برای پروژه های زیرساختی به شمار نمی رود.

یکی از دلایل عمده در خصوص تأکید ورود تعاونی ها به عرصه تأمین مالی و لزوم اجتناب دولت از چنین پروژه هایی در تجربیات گذشته نهفته است. این تجربیات حاکی از آن است که حجم منابع دولتی پاسخگوی اجرای پروژه های زیرساختی نیست. نیمه کاره بودن این پروژه های زیرساختی در بسیاری از موارد گویای این موضوع است که دولت از توان لازم جهت تأمین مالی برخوردار نبوده و ضرورت حمایت از اقدامات جمعی برای ورود به این عرصه به عنوان گزینه مطلوب مطرح است.

علی رغم توافق نظر در خصوص جایگاه منحصربه فرد تعاونی ها برای فعالیت در پروژه های زیرساختی، یک چالش عمده وجود دارد و آن وابستگی مالی این تشکله ها به منابع مالی دولت است؛ تا حدی که تعاونی ها نیز چشمداشت تأمین مالی از منابع دولتی داشته و در تمامی شرایط سهم خود را از منابع مالی دولت محفوظ دانسته و درصدد دریافت آن می باشند. این موضوع برخاسته از نوع تعریف

تعاونی‌ها و ترسیم جایگاه آن‌ها در نظام کلان کشور می‌باشد؛ بدین معنی که تشکیل و راه‌اندازی تعاونی‌ها در چارچوب قوانین و مقررات، همواره در چارچوب وابستگی به دولت بوده است.

موضوع اخیر نشان می‌دهد که وابستگی تعاونی‌ها به منابع مالی دولت یک چالش اساسی را بازنمایی می‌کند. درواقع، این رویکرد دولت در قبال تعاونی‌ها منجر به عدم استمرار در تأمین مالی گردیده و منجر به رکود عملکردی در بخش تعاون می‌گردد؛ زیرا نوسانات موجود در عرصه سیاسی سبب می‌شود تا دولت از توان لازم برای تأمین مالی تعاونی‌ها برخوردار نباشد.

«گرایش به توسعه بخش تعاون» یکی از مقولاتی است که متشکل از دو زیر طبقه شامل «اقبال جهانی به بخش تعاون» و «اولویت‌بخشی به بخش تعاون در سطح ملی» می‌باشد. در سطح جهانی به دلیل ناکارآمدی اقتصاد سرمایه داری و محدودیت‌های مالی حاکم بر بخش دولتی، تعاونی‌ها به‌عنوان یک استراتژی غالب در حال توسعه هستند. به بیان دیگر، توسعه اقتصادی مبتنی بر سازوکارهای تعاون و همیاری رو به تزاید است.

از آنجا که تحولات جهانی در حوزه اقتصاد بر استراتژی‌های بخش تعاون و مشارکت‌های جمعی تأکید می‌نمایند، وضعیت ملی کشور نیز از این پدیده مستثنی نبوده و می‌بایست همگام با تحولات جهانی در عرصه تعاونی‌ها پیش رود. این موضوع، خود ناشی از سابقه مثبت بخش تعاون در عرصه ملی بوده است؛ بدین معنی که سابقه مطلوب و عملکرد نسبتاً مناسب تعاونی‌ها در کشور، لزوم تجدیدنظر و توانمندسازی آن‌ها را مطرح می‌کند. بر مبنای تناسب این سابقه مثبت تعاونی‌ها، لزوم جمع‌سپاری پروژه‌ها از رهگذر این تشکلهای احساس می‌شود؛ چراکه تعاونی در معنی عام نمادی از اقدام جمعی بر مبنای معاضدت است.

۵-۲-۲- پدیده محوری

«گرایش به رویکردهای بومی و متنوع تأمین مالی در بخش تعاون» متشکل از دو بعد «تنوع شیوه‌های تأمین مالی در تعاونی‌ها» و «بومی‌سازی روش‌های تأمین مالی» می‌باشد. تفاوت در سطوح عملکردی تعاونی مبتنی بر دو سنخ سنتی و نوین تعاونی‌ها، لزوم تنوع در روش‌های تأمین مالی را می‌طلبد. برخی از تعاونی‌ها دارای اعضای اندک و زیرساخت‌های محدود می‌باشند و در قالب نظام سنتی اداره می‌شوند. از این رو بازنگری در نظام حاکم بر عرصه تعاونی‌های کشور و تلاش در جهت همسان‌سازی تعاونی‌ها در راستای تحقق سبک مدرن به‌عنوان یک ضرورت مطرح است. در سبک نوین تعاونی‌ها، بهره‌گیری از ظرفیت‌های حقیقی و حقوقی ذی‌نفوذ، فرهیختگان، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران فردی و جمعی به‌عنوان یک شیوه نوین تأمین مالی مطرح است؛ درحالی‌که الزام اساسی برای حصول به این

شیوه تأمین مالی، تعریف کسب و کارهای دقیق و دارای توجیه اقتصادی است؛ یعنی پروژه های زیرساختی به صورت دقیق و دارای وجوه اقتصادی شفاف باشند تا بتوان بهره گیری از شیوه های تأمین مالی مذکور در چارچوب سبک نوین تعاونی ها را عملیاتی نمود

علاوه بر تدقیق پروژه های زیرساختی مبتنی بر سبک های مدرن و سنتی تعاونی ها و نیز تلاش در جهت مدرنیزه سازی بخش تعاون، لازم است شیوه های تأمین مالی در بسترهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور بومی سازی شوند. این امر در دو مقوله قوانین و شرع قابل بازشناسی می باشد. انطباق قوانین اقتصادی پروژه ها با اصول شرع یکی از الزامات منطقه ای است که روش های تأمین مالی را در مقایسه با سبک های تأمین مالی جهانی تا حدودی متفاوت جلوه می دهد. همچنین، پتانسیل های محیطی و اقلیمی منطقه ای توجیهات اقتصادی موجود در ورای پروژه ها را به گونه منحصر به فردی تحت الشعاع قرار می دهد. در چنین حالتی، تلاش در جهت بومی سازی روش های تأمین مالی به مثابه افزایش موفقیت اقتصادی در این زمینه می باشد؛ به بیان ساده تر، ویژگی ها و ظرفیت های ساختاری منطقه ای یکی از مباحثی است که لزوم بومی سازی روش های تأمین مالی را بیش از پیش مورد تأکید قرار می دهد.

۵-۲-۳- راهبردها

«انتخاب رویکردهای نوین تأمین مالی در بخش تعاون» معطوف به «انتشار اوراق بدهی و منفعت در بستر قانونی و شرعی»، «تعامل بین بخشی در عرصه تأمین مالی تعاونی ها»، «سرمایه گذاری و تأمین مالی جمعی و مشارکتی» و «تسهیل حضور تعاونی ها در بازار سرمایه» است. تعاونی های کشور در وضعیت کنونی می بایست برای ایفای نقش اجتماعی و اقتصادی خود به بازار سرمایه ورود پیدا کنند. بازار سرمایه دارای ویژگی هایی است که تقویت توانمندی های مالی جهت حصول به سازوکارهای رقابتی را می طلبد. بر این مبنا تعاونی ها می بایست ظرفیت های خود برای تأمین مالی تقویت نمایند تا از توان لازم جهت ورود به عرصه رقابتی بازار سرمایه برخوردار شوند. ورود تعاونی های به بازار سرمایه فاقد منع قانونی می باشد و در وضعیت فعلی نیز بر آن تأکید فراوان شده است؛ اما آنچه محدودیت ورود به این عرصه را گوشزد می نماید، فقدان سازوکارهای تأمین مالی مطلوب و توانمندی های اقتصادی در این تشکلهای می باشد.

رویکردهای تأمین مالی از نقطه نظر مشارکت کنندگان متفاوت و بسیار وسیع است ولی به فراخور شرایط تعاونی ها، برخی از این رویکردها گستره کاربری وسیع تری دارند.

تمامی روش‌های تأمین مالی فوق‌الذکر با در نظر داشتن دودسته تعاونی سنتی و مدرن ارائه شده‌اند؛ درحالی‌که ورود تعاونی‌ها به بازارهای بزرگ و پروژه‌های زیرساختی مستلزم ورود به سبک‌های مدرن تعاون می‌باشد. بر این مبنا اتفاق نظر کلی در خصوص رویکرد تأمین مالی تعاونی‌ها حول رویکردهای جمعی است که به‌نوعی انحصار، فساد و عدم پایداری تأمین مالی را کاهش می‌دهد. انتشار اوراق بدهی در قالب اوراق منفعت یکی از روش‌های نوین تأمین مالی است که ماهیتی مشارکتی دارد. اوراق منفعت در رویکرد تأمین مالی تعاونی‌ها برای مشارکت در پروژه‌های زیرساختی مشتمل بر صدور اوراق بهادار بی‌نام یا بانام است که قابل نقل و انتقال بوده و مالکیت مشاع فرد دارنده را بر میزان مشخصی از خدمات یا منافع آتی یک پروژه زیرساختی را نشان می‌دهد؛ بنابراین، اوراق منفعت، قیمت حال خدمات آتی را در این پروژه‌ها نشان می‌دهد و می‌تواند در بخش تعاون به‌عنوان یک راهکار شرعی و قانونی که از سازوکارهای ربوی به دور است مورد بهره‌برداری قرار گیرد. این اوراق با توجه به قید قیمت و میزان سهم مالکیتی دارنده و ناشر با بنیان‌های مشارکتی و اجتماعی-اقتصادی تعاونی‌ها همسو است. یکی دیگر از مزایای اوراق منفعت برای تأمین مالی تعاونی‌ها آن است که تأمین مالی از سوی کسانی صورت می‌گیرد که خود نیازمند خدمات و منافع هستند که تعاونی‌ها متولی برنامه‌ریزی و اجرای آن می‌باشند. این نوع تأمین مالی می‌تواند مشتمل بر مشارکت افراد عضو و غیر عضو باشد. همچنین تأمین مالی جمعی و مشارکتی، رویکرد غالبی است که بسیاری از صاحب‌نظران تعاونی کشور بر آن اجماع نظر داشتند. این سبک از تأمین مالی، انحصار ناشی از روش‌های سنتی را خنثی کرده و استمرار تأمین مالی را تضمین می‌نماید. به بیان دیگر، بدنه جمعی حاکم بر تعاونی‌ها مستلزم اتخاذ شیوه‌های تأمین مالی همگانی می‌باشد. یکی دیگر از دلایل ارجحیت این شیوه در نظر متخصصان مورد مطالعه، کاهش وابستگی به منابع مالی دولت و بانک‌های خصوصی و بالطبع، کاهش امکان رانت‌خواری می‌باشد. همچنین، روش‌های تأمین مالی جمعی از طریق به اشتراک‌گذاری منابع مالی خرد می‌تواند مشارکت حداکثری را فراهم نموده و از فشار صرف بر یک منبع مالی خاص جلوگیری به عمل آورد.

۵-۲-۴- شرایط مداخله‌گر

«ویژگی‌ها و الزامات تأمین مالی جمعی»، «چالش‌های بنیادی و ساختاری بخش تعاون» و «رفع چالش‌های بخش تعاون و بازیابی جایگاه آن‌ها» به‌عنوان مقوله‌های تشکیل‌دهنده عوامل مداخله‌گر شناخته شدند. «ویژگی‌ها و الزامات تأمین مالی جمعی» از دو زیر طبقه «ویژگی‌های منحصربه‌فرد تأمین مالی جمعی» و «الزامات تأمین مالی جمعی» تشکیل شده است. انتخاب روش‌های تأمین مالی جمعی به

لحاظ داشتن ویژگی هایی از جمله تمرکززدایی در منافع سرمایه گذاران، برخورداری از شفافیت اجرایی، تضمین بقای پروژه ها، تکیه بر ظرفیت های مردمی و کاهش فسادهای مالی دارای ارجحیت می باشد.

الزامات و شرایطی در وضعیت کنونی کشور وجود دارد که ضرورت تأمین مالی جمعی را بیش از گذشته مطرح می نماید و این شرایط و الزامات دارای دو وجهه قانونی و ماهیتی می باشد. وجهه قانونی آن مستتر در سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و قوانین مربوط به بخش تعاون است و وجهه ماهیتی آن در این موضوع نهفته است که فلسفه تعاون بر مبنای مشارکت بوده و رکن دوم اقتصاد کشور محسوب می شود. سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی بر استفاده از ظرفیت های مردمی و دولتی تأکید فراوان دارد که با توجه به برخورداری تعاونی ها از بدنه مردمی، می توان اختلاط میان جوه ماهیتی و قانونی تأمین مالی تعاونی ها را ادله ای برای انتخاب رویکردهای جمعی دانست.

«چالش های بنیادی و ساختاری بخش تعاون» به عنوان یک عامل مداخله گر در مبحث تأمین مالی نقش قابل توجهی دارد. چالش های بنیادی بخش تعاون معطوف به ضعف عملکردی و عدم توسعه زیرساختی این بخش است که به طور چشمگیری عوامل درون سازمانی بخش تعاون را بازنمایی می کند. درواقع، بخش تعاون متناسب با سایر بخش های اقتصادی کشور رشد نداشته و از این رو مقوله تأمین مالی در چنین بستری با محدودیت و عدم شفافیت روبرو است. بدین مفهوم که عملکرد بخش تعاون نمی تواند معیار قابل قبولی در جهت تأمین مالی ارائه دهد

در حال حاضر، تعاونی ها از زیرساخت های لازم جهت ارائه وثیقه برای دریافت کمک های مالی برون سازمانی برخوردار نیستند. بر این مبنای استفاده از هر شیوه تأمین مالی در بخش تعاون نمی تواند راهکار مناسبی برای ادامه حیات و توسعه فعالیت های آن ها باشد

چالش های مدیریتی در بخش تعاون نیز یکی از ابعاد بسیار مهم در خصوص تأمین مالی است که می بایست مورد توجه قرار گیرد. عدم حصول به درک مشترک از مفهوم تعاونی در بین بسیاری از مدیران سبب شده تا آن ها از دیدگاه مساعدی در خصوص جایگاه تعاونی به عنوان یک بخش مستعد تأمین مالی و مشارکت جو در پروژه های برخوردار نباشند

بنابراین لزوم تجدیدنظر در محدودیت های بنیادی و ساختاری بخش تعاون و بازیابی جایگاه آن به عنوان یکی از ارکان اقتصادی کشور می تواند مقوله تأمین مالی را با شفافیت بهتری توأم سازد. به منظور بازیابی جایگاه اقتصادی تعاونی ها می توان ساماندهی زنجیره مالی را در بخش تعاون مدنظر قرار داد.

همچنین پیچیدگی قوانین مربوط به بخش تعاون حصول به یک یا چند روش تأمین مالی مطلوب را با محدودیت مواجه می‌کند. این پیچیدگی دستیابی به یک درک مشترک از مفهوم تعاون را نیز با چالش همراه می‌سازد.

در این راستا، حمایت از تعاونی‌ها از نقطه نظر قانونی، صرف نظر از برخوردهای سیاسی و سلیقه‌ای، مورد تأکید است. نقش آفرینی و مشارکت ذی‌مدخلان اصلی نیز می‌تواند در تقلیل چالش مذکور حائز اهمیت باشد

۵-۲-۵-زمینه

«تباین ماهیت و عملکرد بخش تعاون» و «شناخت و رتبه‌بندی تعاونی‌ها» از جمله مقولات زمینه‌ای در خصوص تبیین راهبردهای مختلف تأمین مالی می‌باشند. هسته اولیه تشکیل تعاونی‌ها بر مبنای ماهیتی اقتصادی و اجتماعی بوده است؛ درحالی که عملکرد بخش تعاون به سوی سودمحوری و منفعت‌گرایی سوق پیدا کرده است؛ بنابراین شکلی از تباین را در میان ماهیت مبنایی و فعلیت آن‌ها به وجود آورده است.

این در حالی است که ماهیت تعاونی‌ها بر زمینه‌های سودمحوری و تکیه بر بازگشت سریع سرمایه بنیان گذاشته نشده است.

باوجود تمامی مزایای بهره‌گیری از روش‌های نوین و متنوع تأمین مالی، بسیاری از تعاونی‌های کشور در قالب سبک‌های سنتی تأمین مالی نظیر آورده‌های اعضا، جلب مساعدت‌های مالی خیرین و دریافت تسهیلات بانکی اقدام به افزایش جریان‌های سرمایه‌ای خود می‌نمایند

به‌منظور خروج از سبک مدیریت سنتی و حرکت به سوی روش‌های تأمین مالی نوین، لازم است شناخت و رتبه‌بندی تعاونی‌ها در سطح ملی به اجرا درآید. اولین گام در راستای رتبه‌بندی تعاونی‌ها، تعیین ملاک‌ها و معیارهای لازم جهت رتبه‌بندی است. در این مرحله می‌توان یک سنخ‌شناسی جامع از وضعیت تعاونی‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها جهت ورود به عرصه مشارکتی در پروژه‌های زیرساختی تعریف نمود. بر این مبنای تعاونی‌هایی که ظرفیت‌های مناسبی برای مشارکت در پروژه‌های زیرساختی را دارند مشخص می‌گردد و روش‌های تأمین مالی مطلوب نیز به‌خوبی اتخاذ می‌شود.

۵-۲-۶-پیامد

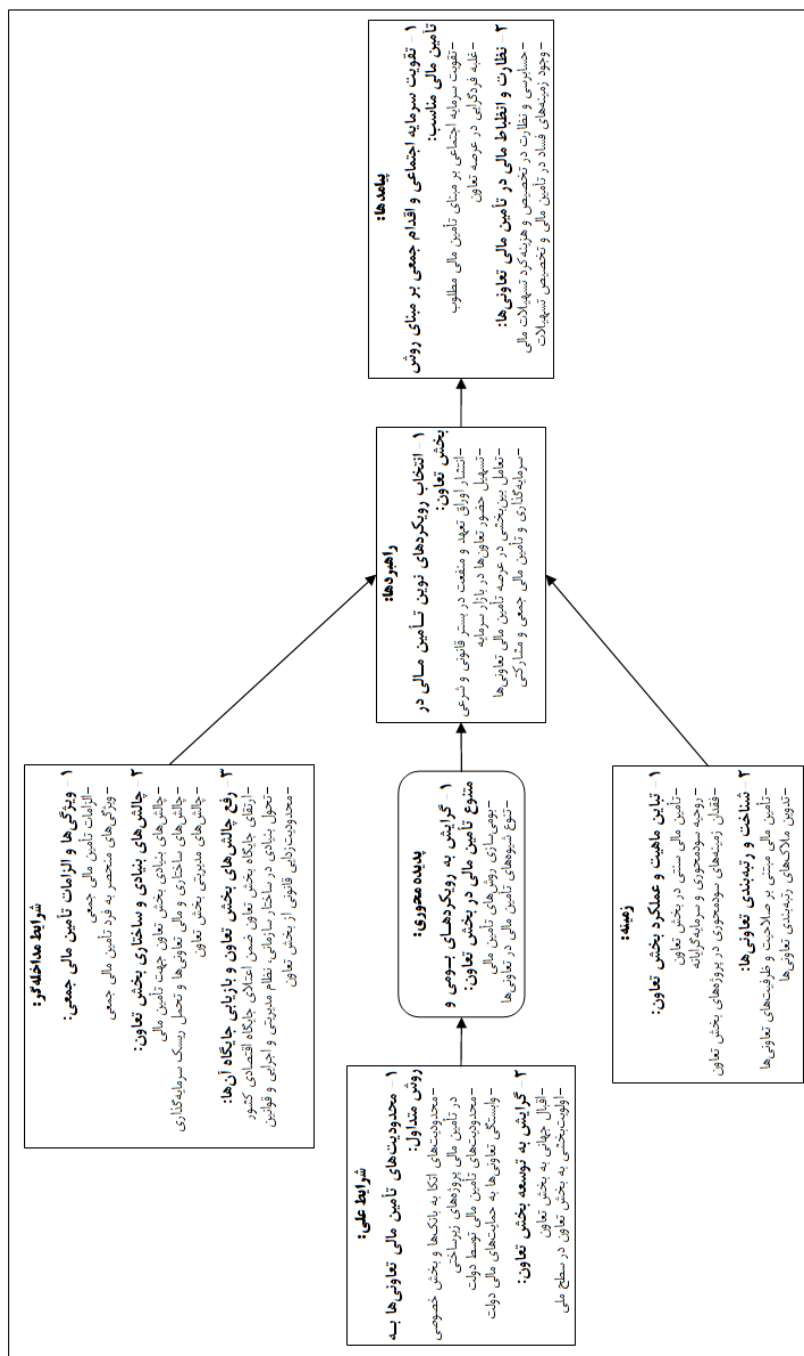
«تقویت سرمایه اجتماعی و اقدام جمعی بر مبنای روش تأمین مالی مناسب» یکی از پیامدهای اتخاذ شیوه‌های مناسب تأمین مالی بر مبنای شرایط محیطی و ظرفیت‌های تعاونی‌های کشور است. بدین معنا

که روش های تأمین مالی می بایست همبستگی بین اعضاء و نیز ذی نفعان پروژه ها، اعتماد متقابل و مشارکت حداکثری را تأمین نماید. بر این اساس محصول اصلی اتخاذ شیوه های مناسب تأمین مالی که مبتنی بر رویکردهای مشارکتی باشد می تواند منجر به افزایش اعتماد و همبستگی اجتماعی گردد و به تبع آن تعاونی ها را در حوزه عملکردی با موفقیت های بیشتری همراه سازد.

چنانچه رویکردهای تأمین مالی متناسب با روش های نوین و نیز ظرفیت های تعاونی نباشد، می توان انتظار داشت که ساختارهای تعاونی، همانند وضعیت فعلی، به سوی فردگرایی مفرط سوق پیدا کند؛ و بدین ترتیب سطح سرمایه اجتماعی بیش از پیش نزول نماید.

«نظارت و انضباط مالی در تأمین مالی تعاونی ها» از دیگر پیامدهای انتخاب مناسب شیوه های تأمین مالی قلمداد می شود. وجود زمینه های فساد در مقوله تأمین مالی، ضرورت حسابرسی و نظارت در تخصیص و هزینه کرد تسهیلات مالی را مورد تأکید قرار می دهد. در این خصوص ارائه تسهیلات به تعاونی ها می بایست توأم با نظارت دقیق و مستمر باشد. یکی از مشارکت کنندگان در این خصوص چنین اظهار داشت:

«... یکی از شاخص های حمایتی و نحوه ارائه خدمات در این حوزه که در دیگر کشورهای پیشرو در امر تعاون جاری است، تخصیص و پرداخت وام های بلندمدت بدون سود در قالب کمک های مالی بلاعوض است؛ منتهی بدین شیوه که تسهیلات به مدت دو یا نهایت پنج سال به تعاونی متقاضی پرداخت می شود، ولی تحت نظارت دقیق و کارشناسی شده ملزم به بازگشت سرمایه بعد از مدت زمان تعیین شده به نفع همگان یا تعاونی تازه تأسیس یا نیازمند باهدف تقویت و حمایت مالی از دیگر تعاونی ها. به عبارتی نوعی تسهیلات گردشی بدون بهره بی بازگشت از دولت که به شکل گردشی بین تعاون گران دست به دست می گردد.»



شکل (۱): مدل پارادایمی کدگذاری محوری روش‌های تأمین مالی تعاونی‌ها جهت مشارکت تعاونی‌ها در پروژه‌های

زیرساختی (منبع: یافته‌های تحقیق)

۵-۳- کدگذاری انتخابی: تبیین مدل پارادایمی روش های تأمین مالی تعاونی ها

در مرحله کدگذاری انتخابی، ارتباط منطقی بین طبقات تولیدشده در مراحل قبل به طور نظام مند ایجاد و اثبات پژوهشی شد. به بیان دیگر، در این مرحله روابط موجود میان طبقات حاصل از مرحله اول و پدیده محوری از طریق یک شرح روایت گونه به اثبات رسید که در ادامه به آن پرداخته می شود.

محدودیت تأمین مالی تعاونی ها به روش متداول نظیر آورده های اعضا، استقراض، استفاده از تسهیلات بانکی و غیره کفایت لازم جهت ارتقاء سطح مشارکت تعاونی ها در پروژه های زیرساختی را ندارد. همچنین، گرایش به توسعه بخش تعاون به عنوان یک راهکار بدیل جهانی در جهت افزایش حضور تعاونی ها در ابعاد اجتماعی و اقتصادی جامعه لزوم اصلاح شیوه های تأمین مالی را مطرح می کند؛ زیرا حضور فعال و مشارکتی تعاونی ها در عرصه های زیرساختی مستلزم وجود منابع مالی و سرمایه ای کافی می باشد. به بیان دیگر، افزایش توجه به تعاونی ها در عرصه جهانی و عملکرد مناسب آن در برخی کشورها لزوم همگامی با اقتصاد جهانی را در عرصه تعاونی های کشور بیش از پیش مطرح نموده است؛ بنابراین رفع محدودیت های تأمین مالی تعاونی ها و همگامی با تحولات جهانی در عرصه تعاون گرایش به اتخاذ رویکردهای بومی و متنوع تأمین مالی را می طلبد. بدین معنا که روش های تأمین مالی مورد استفاده در سطح جهانی با در نظر داشتن شرایط و ضوابط ملی مورد بازبینی قرار گیرد و متناسب با شرایط حاکم بر بسترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، شیوه های متنوع، چند کارکردی و ترکیبی مورد نظر قرار گیرد. از میان شیوه های تأمین مالی رایج در جهان می توان بر شیوه های نوین آن تمرکز نمود. این شیوه ها دارای دو ویژگی اساسی هستند. اولین ویژگی مربوط به تنوع این شیوه ها و دومین ویژگی ناظر بر مشارکتی و جمعی بودن آن ها می باشد. بدین معنا که تنها یک شیوه تأمین مالی نمی تواند برای حجم وسیع تعاونی های موجود در کشور وافی به مقصود باشد، ضمن آن که ماهیت اجتماعی و اقتصادی تعاونی ها بر رویکردهای تأمین مالی جمعی تأکید فراوان دارد. انتخاب شیوه های تأمین مالی، تابعی از عوامل بیرونی نظیر ویژگی ها و الزامات روش های تأمین مالی، چالش های بنیادی و ساختاری تعاونی ها و میزان رفع این چالش ها در جهت بازایی جایگاه تعاونی ها می باشد. برخی از چالش های موجود در عرصه تعاونی ها نظیر برخوردهای سیاسی و سلیقه ای، ضعف ساختارهای قانونی بخش تعاون و غیره می تواند بر شیوه های تأمین مالی اثرگذار باشد. تبیین میان

ماهیت و عملکرد تعاونی‌ها، انتخاب روش‌های تأمین مالی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگرچه ماهیت وجودی تعاونی به دوراز سودمحوری و منفعت‌طلبی تعریف شده است؛ اما عملکرد بخش تعاونی تبعیت از روندهای مدیریتی سودمحور موجود در بخش‌های خصوصی را نشان می‌دهد. بر این مبنا، انتخاب شیوه‌های تأمین مالی در فضای سودمحور نمی‌تواند صرفاً بر مبنای تمامی روش‌های تأمین مالی مورد استفاده در سطح جهان باشد. در چنین وضعیتی می‌بایست در راستای رفع تباین میان عملکرد و ماهیت وجودی تعاونی‌ها گام‌های اساسی برداشت. سازوکاری که می‌تواند در راستای فائق آمدن بر چنین تباینی مؤثر باشد، رتبه‌بندی تعاونی‌ها می‌باشد. در فضای کنونی کشور دودسته تعاونی سنتی و نوین در حال فعالیت هستند که سازوکارهای تأمین مالی مجزایی دارند. تعاونی‌های سنتی از بدنه ساختاری ضعیف و زیرساخت‌های محدود برخوردارند که توان ورود به بازارهای سرمایه‌ای را ندارند؛ درحالی‌که تعاونی‌ها نوین با بدنه‌ای چابک از ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای حضور فعال در بازارهای رقابتی برخوردارند. بر این اساس، رتبه‌بندی تعاونی‌ها بر مبنای معیارهای سنتی و نوین می‌تواند حصول به شیوه‌های مالی متناسب با هر ساختار را مشخص نماید و سازوکارهای تأمین مالی اختصاصی را ترویج نماید. بدین معنا که تجویز یک شیوه تأمین مالی منحصر به فرد برای تمامی تعاونی‌های کشور که دارای بدنه‌های مدیریتی متنوع هستند، منطقی به نظر نمی‌رسد؛ اما توجه به مؤلفه‌های جمعی و متنوع روش‌های تأمین مالی همچنان به عنوان یک معیار برای تمامی تعاونی‌ها قابل اجرا است. در نهایت انتخاب شیوه‌های تأمین مالی مناسب می‌تواند انضباط مالی و کاهش فساد را تضمین نماید. همچنین، توسعه سرمایه‌های اجتماعی از حیث مشارکت، همبستگی و اعتماد اجتماعی در بین اعضای دخیل در پروژه‌های زیرساختی می‌تواند محصول اصلی کشمگری یک نظام تأمین مالی مناسب باشد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تأمین مالی تعاونی‌ها یکی از مقولات مهم در راستای افزایش مشارکت آن‌ها در پروژه‌های زیرساختی به شمار می‌رود. درواقع تعاونی‌ها ساختارهای اقتصادی-اجتماعی هستند که در جهت ایفای نقش اجتماعی و مشارکتی خود نیازمند سازوکارهای تأمین مالی مناسب جهت حصول به سرمایه قابل قبول می‌باشند. بر این مبنا نتایج نشان داد که تعاونی‌ها در دو سبک سنتی و نوین فعالیت می‌نمایند و از این رو

دارای سازوکارهای تأمین مالی متفاوتی می باشند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، تعاونی های سنتی با روش های متداول تأمین مالی نظیر آورده های اعضا، دریافت تسهیلات از بخش های دولتی و خصوصی و غیره اقدام به توسعه منابع سرمایه ای خود می نمایند؛ درحالی که تعاونی های نوین می توانند با روش های جدیدتر نظیر انتشار اوراق بدهی (مانند اوراق منفعت) و روش های تأمین مالی جمعی و ترکیبی، سرمایه های خود را در جهت ورود به عرصه های مشارکتی تقویت نمایند. دلیل اصلی چنین تفاوتی را می توان در این موضوع دانست که درک مشترکی از مفهوم تعاون در بین مدیران وجود ندارد. بر این اساس برداشت از قوانین و مقررات موجود در کشور و آیین نامه های ابلاغی از سوی دستگاه ها دارای پیچیدگی هایی است که مراتب تأمین مالی بخش تعاون را با محدودیت مواجه می کند. این موضوع خود منجر به ضعف عملکردی در تعاونی ها شده و از ورود آن ها به پروژه های زیرساختی ممانعت به عمل می آورد. همچنین، می توان تفاوت در ساختارهای سنتی و نوین بخش تعاون را محصول تفرق دیدگاه مدیریتی و ضعف و پیچیدگی قوانین دانست. در این زمینه پیشنهادهای ذیل مورد نظر است:

۱- تعیین معیارهای رتبه بندی تعاونی ها: به منظور شناسایی ساختار مدیریتی تعاونی ها، ظرفیت ها و توانمندی های آن ها برای ورود به بازار سرمایه و عرصه های مشارکتی کلان، لازم است معیارهای رتبه بندی تعاونی ها استخراج گردد. در این راستا می توان از تجربیات جهانی بهره گرفت. این معیارهای می بایست در حوزه های اقتصادی و اجتماعی استخراج گردد؛ چراکه ماهیت تعاونی ها تابع منافع اجتماعی- اقتصادی فعالیت ها می باشد؛

۲- اجرای زمینه ادغام و اکتساب: پس از مشخص شدن طرح تفکیکی ظرفیت های تعاونی و شناسایی تعاونی های فاقد عملکرد و سرمایه لازم می توان از طریق به کارگیری زمینه های ادغام و اکتساب، اقدام به تشکیل تعاونی های توانمند و با ظرفیت های عملکردی بالاتر نمود. در این راستا استفاده از رویکرد ادغام، به معنای تلفیق تعاونی های خرد فعال در یک حوزه می باشد؛ و اکتساب به معنای واگذاری ساختار مدیریتی و تصمیم گیری یک یا چند تعاونی خرد و فاقد عملکرد مناسب به تعاونی های هم صنف توانمندتر می باشد. از این طریق می توان تسهیم منابع مالی بین تعاونی ها را تسهیل نمود و به صورت غیرمستقیم در جهت بازیابی توان مالی آن ها گام برداشت؛ و

۳- تدقیق پیچیدگی‌های قانونی بر مبنای معیارهای رتبه‌بندی و طرح جامع آماری تعاونی‌ها: پس از تدوین معیارهای رتبه‌بندی و حصول به طرح تفکیکی ظرفیت‌های تعاونی‌ها لازم است پیچیدگی‌های قانونی در خصوص کارکردها و کانال‌های تأمین مالی تعاونی‌ها موردبازنگری و تدقیق قرار گیرد. در این گام می‌توان فرآیند بازنگری را با استناد بر ساختارهای موجود تعاونی‌ها به نحو مطلوب‌تری به انجام رساند.

نتایج نشان داد که از میان رویکردهای مختلف تأمین مالی، روش‌های تأمین مالی جمعی و ترکیبی و اوراق منفعت بیش از سایر روش‌ها با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تعاونی‌های ایران سازگار است. از دلایل عمده‌ای که ارجحیت این روش‌ها را نسبت به سایر روش‌های موجود مشخص می‌کند می‌توان به ابعاد ماهیتی و الزامات آن اشاره نمود. درواقع، روش‌های تأمین مالی جمعی دارای ماهیتی مشارکتی بوده و راه‌های انحصار سرمایه، رانت‌خواری و فساد را محدود می‌کنند. همچنین، از طریق این روش‌های تأمین مالی می‌توان انتظار داشت تا سرمایه‌های اجتماعی اعضای تعاونی‌ها بهبود یابد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تشکلهای مبتنی بر تعاون با اهداف مشارکت جمعی فعالیت می‌نمایند و مهم‌ترین مؤلفه در راستای بقای آن‌ها، دستیابی به سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی است؛ ازاین‌رو به‌کارگیری روش‌های تأمین مالی جمعی دو مقوله تقویت سرمایه اجتماعی و اقتصادی را به شکل توأم پوشش می‌دهند.

همان‌گونه که نتایج نشان داد، محدودیت‌های تأمین مالی تعاونی‌ها و گرایش به توسعه بخش تعاون، تمایل به اتخاذ رویکردهای بومی و متنوع تأمین مالی را در تعاونی‌ها برمی‌تابد؛ این در حالی است که به نظر می‌رسد چنین گرایشی در بین مدیران، تعاون‌گران و سایر کنشگران نهادی و قانونی عرصه تعاون برای اتخاذ و به‌کارگیری شیوه‌های مذکور به‌اندازه کافی وجود ندارد. وضعیت کنونی تعاونی‌ها شواهد متقنی در خصوص ادعای مزبور ارائه می‌دهد. بر این مبنای، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۴- ترسیم زنجیره‌های مالی در تعاونی‌ها: لازم است دارایی‌های سرمایه‌ای تعاونی‌ها در قالب طرح جامع آماری و اطلاعاتی آن‌ها مشخص گردد و فرآیند ترسیم زنجیره مالی در بین تعاونی‌های هم‌صنف و غیر هم‌صنف پیگیری شود. بدین معنا که هر تعاونی با توجه به حوزه فعالیتی خود (مثلاً

کشاورزی، صنعت و غیره) و نیز میزان دارایی و اعضاء در رابطه با سایر تعاونی ها (اعم از هم صنف و غیر هم صنف) چگونه می تواند تبادل سرمایه ای و اطلاعاتی داشته باشد؛

۵- ایجاد و گسترش شبکه زنجیره تأمین مالی در تعاونی ها: با توجه به این که تعاونی ها تحت نظارت و کنترل اتحادیه ها فعالیت می نمایند، لازم است شبکه زنجیره تأمین با توجه به زنجیره های مالی مشخص شده ترسیم گردد. بدین معنا که اتحادیه ها از طریق تعامل و تبادل نظر، شبکه زنجیره تأمین مالی تعاونی ها را ایجاد نمایند. در این شبکه می بایست مشخص شود که هر تعاونی در ارتباط با سایر تعاونی ها چگونه می تواند تبادل مالی، اشتراک سرمایه ای و منابع داشته باشد؛ و بدین ترتیب، هر تعاونی در ارتباط با سایر تعاونی ها از یک زنجیره ارتباطی جهت تقویت سرمایه خود برخوردار گردد. چنانچه مجموعه این زنجیره ها برقرار شود می توان به شبکه ای از زنجیره های تأمین مالی مناسب دست یافت. به طور کلی، از طریق این شبکه می توان تبادل سرمایه در بین تعاونی ها را تسهیل نمود و به یک رویکرد تأمین مالی جمعی در قالب شبکه بین سازمانی دست یافت.

منابع و مآخذ

۱. اشتراوس، آ؛ و کوربین، ج. (۱۳۹۳). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، (ترجمه بیوک محمدی). چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. آگهی، ح. حمد حیدری، ش؛ و لشکری، م. (۱۳۸۶). ارزیابی مشارکتی تعاونی تولید روستایی با استفاده از رهیافت PRA (مطالعه موردی تعاونی تولید فرزبان استان لرستان). *جهاد، س ۲۷* (۲۷۷)، ۸۳-۱۲۸.
۳. احمد پور، ا. مختاری و؛ و پور سعید، ع. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌های تولید کشاورزی در استان ایلام. *روستا و توسعه*، ۱۷ (۳)، ۱۰۵-۱۲۲.
۴. اشتراوس، آ؛ و کوربین، ج. (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها)*. ترجمه: رحمت‌الله رحمت پور، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. ابراهیمی سرو علیا، م. عظیمی، م. رودساز، ح. قربانی زاده، و. (۱۳۹۶). تبیین الگوی تأمین مالی تعاونی‌ها برای مشارکت‌های عمومی - خصوصی در توسعه زیرساخت‌های کشور با استفاده از نظریه داده بنیاد، *تعاون و کشاورزی، سال ششم، شماره ۲۱*.
۶. بازرگان، ز. (۱۳۹۴). *آموزش کیفی*. انتشارات سخن، تهران.
۷. بذرافشان، ج و شاهین، ح. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی تعاونی‌های تولید روستایی در ایران. *مجموعه مقالات چهارمین کنگره جغرافی‌دانان جهان اسلام، ایران، ۲۷ فروردین ۱۳۸۹*.
۸. جامعی، ر. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر معضلات و تنگناهای شرکت‌های تعاونی فعال استان کردستان. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱ (۱)، ۱۱۸-۱۰۴.
۹. حسینی، س. ش؛ و سوری، ا. (۱۳۸۹). وضعیت تأمین مالی تعاونی‌ها و شیوه‌های تقویت آن. *فصلنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعاون*، ۲۰ (۲۱۲)، ۲۸-۲۷.
۱۰. حسینی، س. ش. محمدی، ح؛ و سوری، ا. (۱۳۹۱). بررسی مدل‌ها و استراتژی‌های نوین تأمین مالی شرکت‌های تعاونی در اقتصاد ایران. *پژوهشنامه اقتصادی (رویکرد اسلامی-ایرانی)*، ۱۲ (۴۴)، ۷۳-۹۸.

۱۱. حضرتی، م. مجیدی، ب؛ و رحمانی، ب. (۱۳۸۹). شناسایی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی های کشاورزی در توسعه اقتصاد روستایی بخش مرکزی شهرستان خدابنده. *تعاون*، ۲۱(۳)، ۸۹-۱۰۹.
۱۲. دانش جعفری، د. (۱۳۹۱). بررسی الگوی جمهوری اسلامی ایران در ترتیبات مشارکت عمومی- خصوصی در چارچوب چشم انداز ۲۰ ساله کشور. *مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران*، تهران، دانشگاه صنعتی شریف، ۴۳۵ ص.
۱۳. دانایی فرد، ح؛ و اسلامی، آ. (۱۳۹۰). *ساخت نظریه بی تفاوتی سازمانی: کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده بنیاد در عمل*. تهران: دانشگاه امام صادق.
۱۴. طالب، م. (۱۳۸۲). *اصول و اندیشه های تعاون*. سازمان مرکزی تعاون، معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج، دفتر آموزشی، تهران.
۱۵. عباسی، م. (۱۳۸۹). *باور تعاون (تعاون در اندیشه و عمل)*. انتشارات مؤسسه توسعه روستایی ایران.
۱۶. عطائی، پ؛ و ایزدی، ن. (۱۳۹۴). سازه های تأثیرگذار بر زیان دهی تعاونی های روستایی (مورد مطالعه: تعاونی روستایی امیرکبیر در استان فارس). *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، ۱۱(۱)، ۱۹۶-۱۸۱.
۱۷. عطائی، پ. ایزدی، ن؛ و یعقوبی فرانی، ا. (۱۳۹۵). *مستندسازی تجربیات مدیریتی تعاونی های تولیدی موفق استان همدان. تعاون و کشاورزی*، ۵(۱۸)، ۲۸-۱.
۱۸. کرامتی، ا. مهرام، ب. شعبانی ورکی، ب؛ و مهرمحمدی، م. (۱۳۹۲). بازی دانایی نظریه زمینه ای برنامه درسی پنهان در نظام آموزش عالی ایران. *دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۷، ۸۵-۱۰۹.
۱۹. کلاتری، خ؛ و لوائی آدریانی، ر. (۱۳۹۵). شناسایی و تبیین چالش های پیش روی شرکت های تعاونی تولید روستایی در ایران با استفاده از رویکرد نظریه بنیانی. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۵(۱۷)، ۳۴-۵۱.

۲۰. محمودی عالمی، ع؛ و اسمعیلی عالمی، ح. (۱۳۸۹). بررسی روش‌های تأمین مالی در طرح‌های کارآفرینانه بخش تعاون استان مازندران. *فصلنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعاون*، ۲۱(۱)، ۱۱۴-۱۱۳.

۲۱. ملانظری، م. حجازی، ر؛ و صحرایی، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین روش‌های تأمین مالی (منابع برون‌سازمانی) و موفقیت و عدم موفقیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۲(۶)، ۸۶-۶۵.

۲۲. یزدان پناه، ل؛ و صمدیان، ف. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی (مطالعه موردی صنایع دستی استان کرمان). *تعاون*، ۲۰(۲۰۲)، ۱۹-۲۹.

23. Alizadeh, M. (2011). An Analysis of Agricultural Producers' Cooperatives. 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.
24. Aribaba, F. O. (2013). An investigation of the performance of cooperative thrift and credit societies in financing small-scale businesses in Nigeria. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 4(1), 401-405.
25. Bernard, T., & Spielman, D. J. (2009). Reaching the rural poor through rural producer organizations? A study of agricultural marketing cooperatives in Ethiopia. *Food Policy*, 34(1), 60-69.
26. Bruynis, C., Hahn, D. E., and Taylor, W. J. (1997). Critical success factors for emerging agricultural marketing cooperatives. *American Cooperation*, 50-54. An annual publication of the National Council of Farmer Cooperatives (NCFC).
27. Chung, K. J., Lin, S. D., & Srivastava, H. M. (2016). The complete and concrete solution procedures for integrated vendor-buyer cooperative inventory models with trade credit financing in supply chain management. *Applied Mathematics and Information Sciences*, 10(1), 155-171.
28. Faggiolani, C. (2011). Perceived identity: Applying grounded theory in libraries. *JLIS*. it, 2(1).
29. Glaser, B. G., Strauss, A. L., & Strutzel, E. (1968). The discovery of grounded theory; strategies for qualitative research. *Nursing research*, 17(4), 364.
30. Hasheminejad, A., Choromzadeh, M., and Khosravipour, B. (2011). Pathology of Agricultural Producers' Cooperatives in Iran. 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.

31. Herrera, J. J. D., & Davó, N. B. (2016). From cooperative to hybrid organization: Internationalization, financing and crisis Organizational Management: Policies and Practices in a Global Market (pp. 150-174).
32. Kim, J. (2014). Public-private infrastructure cooperative: New infrastructure financing paradigm. Vol. 2450. Transportation Research Record (pp. 136-143).
33. Mohammadi Torkashvand, A., Badragheh, A., Allahyari, M. S., Samari, D., and Solouki, M. (2011). Factors Affecting Failure of Fishery Cooperatives in Guilan Province. 1st International Conference on Cooperative Social, Economic and Cultural Capabilities. Iran, Kish Island.
34. Pachón, L. Á. S. (2016). Alternative financing instruments for Spanish cooperative. REVESCO Revista de Estudios Cooperativos, 122, 285-313.
35. Perakash, D. (1994). Our civil society and co-operative, International Cooperative Alliance, Delhi.
36. Pischke, J. D. V., & Rouse, J. G. (2004). New strategies for mobilizing capital in agricultural cooperatives. FAO Corporate Document Repository: Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome. Viewed, 7th September 2010.
37. Rey, P., & Tirole, J. (2007). Financing and access in cooperatives. International Journal of Industrial Organization, 25(5), 1061-1088.
38. Strauss, A., & Corbin, J. (1994). Grounded theory methodology. Handbook of qualitative research, 17, 273-85.
39. Xiaomei, S., & Tao, Q. (2010). Research on innovative financing for China's Forestry Cooperatives.
40. Zhou, N., Li, M., Yi, L., & Yang, Y. (2014). Analysis on financing difficulty of farmers specialized cooperative: Based on finance supply chain.